



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۱۰/۰۹

محمدصالح گردش

پیوند قوم ایماق و پشتون در یک نگاه

"ایماق"ها(غوری ها)چنان آمیختگی و قرابتی که با اقوام "پشتون" و "پاشایی" و در کل اقوام "داردیک" دارند که با هیچ قوم و تبار دیگر درین خطه ندارند. این آمیختگی تاریخی بعد از نفوذ اسلام نیز در بین دو قوم ایماق و پشتون ادامه یافته و این بافت چنان عمیق بوده است که تفکیک آن غیر ممکن به نظر می رسد، چنانکه شاخه "سوری" را پشتون ها با درنظرداشت سلسله حاکمیت سوری ها در هند یکی از شاخه های قوم خود می دانند در حالی که یکی از چهار قوم ایماق نیز مسمی به سوری اند.

با وجودی که پشتون ها بیشتر به زبان پشتو و ایماق ها به زبان پارسی دری صحبت می کنند، می توان ادعا نمود که قرابت و نزدیکی دو زبان دری پارسی با زبان های پشتو و هم داردیک ناشی از همین پیوندهای تباری بوده باشد.

اسم ایماق نیز مشتق از فرهنگ ترکان نیست چنانکه بعضی ها این اسم را به زبان و فرهنگ ترک نسبت می دهند که به هیچ وجه مستدل و توجیه پذیر نبوده و البته این بسته بازی ها بیشتر جنبه سیاسی داشته است و نه تاریخی. همین گونه تاجیک ها نسبت همزبانی و مناسبات فرهنگی، قوم ایماق را بدون درنظر داشت سابقه و پیشینه تاریخی این قوم و بدون درنظرداشت اسم و هویت مجزای شان، مستقیماً تاجیک محسوب و خطاب می دارند و بدون هیچ استدلالی حتا به روی اسم ایماق نیز خاک می اندازند، این بازی ها همش جنبه سیاسی دارد در حالی که در دنیای سیاست همزبانی به هیچ وجه هم رنگی و هم دلی و هم تباری نبوده و نخواهد بود و امروز ایماق ها این موضوع را از ورای پیامدهای سیاسی پنجاه سال اخیر بدرستی درک و فهم کرده اند.

اسم ایماق از روزن این قلم شکل متحول کلمه "یمک" است که با گرفتن همزه عاریتی در ابتدا به "ایمک" و بلاخره با تاثیر زبان عرب به ایماق متحول گردیده است. "ییمه" در زبان سانسکریت به معنای همزاد و دو قلوست. به اساس منابع قدیم چون "ریگودا" و "بندهشن"، ییمه (جمشید) یک

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په ځیر و لولئ

خواهر دو قلو به اسم "یمی" یا "جمک" (یمک) نیز داشته است که در باور های مردم شرق به خصوص مردم هند باستان نخستین انسان های روی زمین بوده اند.

وقتی اقتدار و حاکمیت جم (یم) توسط "ضحاک" ساقط گردید، ضحاک با یمک ازدواج می کند که با اتکا به همین روایت، ایماق ها فرزندان و اخلاف مستقیم ضحاک و یمک اند و اسم ایماق نیز مشتق از کلمه یمک قسمی بوده است که این اسم بعد از پذیرش همزه عاریتی در ابتدای این اسم به "ایمک" و بعد از تحول بیشتر به "ایماک" و بعدها با تاثیر پذیری زبان عربی به ایماق تبدیل شده است.

جابجایی همزه عاریتی در کلمات پارسی دری به وفور دیده می شود. چنانکه در کلمات سپید (اسپید)، سپند (اسپند)، شتر (اشتر) و در یک توجیه، فغان (افغان) و غیره. ناگفته نماند که ضحاک ماردوش یکی از نیاکان پشتون ها نیز محسوب می گردد چنانکه قوم "سهاک" یکی از اقوام پشتون را می توان به اسم آن شخصیت اسطوره ای پیوند زد. روزی یکی از دوستانم از قوم سهاک برایم گفته بود که آنها پایه و رکن اصلی و اساسی اقوام پشتون اند و امروز روی اصل و بنیاد تحقیق می دانم که سخن آن دوست چقدر بجا و استوار بوده است. داستان یمما در بعضی آثار پسین چون شاهنامه فردوسی قسمی روایت گردیده که یمما دو خواهر داشت به نام های "شهرناز" و "ارنواز" که توسط ضحاک اسیر و به بند کشیده شدند که بعدا توسط فریدون رها گردیدند. ایماق ها نیز به رویت نسب نامه جد اعلاي شان را ضحاک ماردوش می دانند. در همین اواخر یکی از دوستان غوری ام برایم نوشت که، در آثار بجا مانده در غور و نیز قصه ها و روایت های مردم آن سامان، آن قدر که موجودیت و حضور ضحاک در تاریخ آن سرزمین محسوس و ملموس است، از یمما چیزی باقی نمانده است.

آرشیف: مطالب نشر شده محترم محمد صالح گردش